

Ample کافی، فراخ، پهناور، وسیع	Commensurate متناسب	Distaste بی میلی، تفر	Image(s) تصویر، (تصویرات)
According موافق، مطابق بر وفق	Common عمومی، معمولی، عادی	Division تقسیم، طبقه‌بندی	Inflicted دچار شدن
Account دیدگاه، نظر، گزارش	Completion اتمام، تکمیل	Dome گنبد، قبه، منزلگاه	Inherited ارث، میراث
Across متقاطع، سرتاسر، از عرض	Conclusion پایان، نتیجه، عاقبت	Doubt شک، تردید	Inlaid منبت کاری شده
Actuality فعالیت، امر مسلم	Confirm(s) اثبات، تأیید	Draughtsman نقشه کش، طراح	Instrument(s) آلت، وسیله
Advantage مزیت، سودمند بودن	Conform(s) مطابق کردن	Draw ترسیم کردن	Introduction ابداع، معرفی
Aesthetic وابسته به زیبایی مربوط به علم (محسنات)	Conqueror فاتح، کشورگشا	Early در اوایل، بزودی، متأخر	Involved درگیر، گرفتار
Amount(s) مقدار، رسیدن	Considerable قابل توجه، مهم	Either هر یک از دو تا	Is Said گفته شد
Appear ظاهر شدن، پدیدار شدن به نظر رسیدن	Construction ساختمان، عمارت	Erection نصب، ساختمان	Justice عدالت، انصاف، درستی
Appearance پیدایش، ظهور	Convey رساندن، انتقال دادن	Establishing تأسیس کردن، دایر کردن	Labor کار، کوشش
Archeological باستان شناسی	Convincing متقاعد کننده	Eventually سرانجام، عاقبت	Lavish فراوانی، وفور
Ascended بالا رفتن، صعود کردن	Co-ordinating همتراز	Evidence مدرک، گواه	Lavishly با اسراف، فراوانی، وفور
Author مولف، نویسنده	Correspond برابر بودن	Exactly کاملاً، عیناً	Lay نصب کردن، گذاردن
Awareness آگاهی، اطلاع	Create خلق کردن، قرار دادن	Excavation حفاری	Legend افسانه، شرح
Awe حیرت، ترس، هراس، وحشت	Cube مکعب	Excessive مفرط، بیش از اندازه	Manner راه، روش، چگونگی رفتار
Based مبنی، پایه، بنیاد، اساس	Cubit ذرع (۱۸ تا ۲۲ اینچ)	Expected انتظار داشتن	Manufacture ساختن
Be able (Been able) توانستن قادر بودن	Dado آزاره	Excavation حفاری	Master استاد (معمار)
Bedouin بدوی، بادیه نشین	Damascus دمشق	Expected انتظار داشتن	Measurement اندازه، سنجش
Below در زیر، پایین	Deal ارتباط داشتن، مقدار، اندازه	Expenditure هزینه، مخارج	Module پیمانه، واحد، اندازه
Brick آجر	Delicate ظریف، لطیف	Fabulous افسانه‌ای، شگفت‌انگیز	Mounted برپا کردن، سوار کردن
Bring آوردن، رساندن، به موجب	Demonstrate ثابت کردن	Fallen شدن، افتاده	Manner راه، روش، چگونگی رفتار
Brought (Bring) آورده شده	Depict رسم کردن، نمایش دادن	Fact واقعیت، حقیقت	Manufacture ساختن
Burden بار، وزن، گنجایش	Deposed عزل شده، خلع شده	Favored مساعدت، توجه طرفداری	Master استاد (معمار)
Caliph(s) خلیفه، جانشین	Derive مشتق شدن، استنتاج	Feature ترکیب، شکل، خصیصه	Measurement اندازه، سنجش
Censured سرزنش	Devoted اختصاص دادن	Feeding تغذیه	Module پیمانه، واحد، اندازه
Certain اطمینان، یقین	Diagonal مورب، اریب، قطری	Figures شکل، پیکر، رقم	Mounted برپا کردن، سوار کردن
Certainly حتماً، مطمئناً	Discussing مورد بحث قرار دادن	Finance مالیه، دارایی، تأمین مالی	Manner راه، روش، چگونگی رفتار
Cites گفتن، ذکر کردن	* این فعل دارای مفعول مستقیم می‌باشد، بنابراین بعد از این کلمه نمی‌توانیم از about استفاده کنیم.	Forced تحمیلی، اجباری	Manufacture ساختن
Column ستون		Fragmentary فروپاشیده	Master استاد (معمار)
Commenced آغاز کردن شروع کردن		Governing حاکم بودن، تابع بودن	Measurement اندازه، سنجش
		Grid توری	Module پیمانه، واحد، اندازه
		Heavily به سنگینی	Mounted برپا کردن، سوار کردن
		Identified معین کننده، شناسایی	Manner راه، روش، چگونگی رفتار
			Manufacture ساختن

